

## بررسی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی ازدواج‌های دانشجویی

احمد غضنفری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

تاریخ تایید مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۹

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان رضایت از زندگی در ازدواج‌های دانشجویی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه چهار کشور انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زوج‌هایی است که در طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ ازدواج کرده و اسامی آنها در دفاتر فرهنگ اسلامی ثبت شده است که یک نمونه ۳۰۶ نفری به صورت تصادفی منظم انتخاب گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده گردید: یکی پرسشنامه جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی و دیگری پرسشنامه رضایت از زندگی زناشویی. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیری استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که نسبت طلاق در ازدواج‌های دانشجویی ۲/۳ درصد و ۲ درصد نیز از زندگی خود ناراضی هستند. نتایج نشان داد تمام عوامل زناشویی تأثیر معناداری بر رضایت از زندگی زوج‌های دانشجویی دارند اما عوامل کنارآمدن با یکدیگر، رابطه پربار و با محتوا، داشتن علائق مشترک و اهمیت دادن به همسر از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت از زناشویی هستند و بیش از ۶۵ درصد واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌نمایند. از بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و آموزشی مؤثر بر رضایت از زناشویی محل سکونت و شغل مرد، اطلاع زن از پس‌انداز همسر و اطلاع زن از کمک به خانواده همسر می‌باشد. در پایان تلویحات عملی یافته‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

**کلید واژه:** رضایت از زناشویی، ازدواج دانشجویی.

## مقدمه

انسان درگیر ارتباط می‌شود تا هویت پیدا کند، با دیگران پیوند برقرار می‌کند و پیوندهای خود را عمیق‌تر می‌سازد. درضمن مشکلات خود را رفع و امکانات موجود را کشف می‌کند. بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان فردی تشکیل می‌دهد. ارتباط میان فردی خود حیات بخش روابط هدفمند است (وود، ۱۹۹۸). یکی از قدیمی‌ترین پیوندهای ارتباطی بشر، ازدواج است. ازدواج به معنی قانونمندی نوعی ارتباط بین دو انسان (زن و مرد) است. در واقع هدف اصلی ازدواج، ارتباط است. بدون ارتباط ازدواج وجهه قانونی ندارد (ادیب راد، ۱۳۸۴). آنچه در ازدواج مهم است سازگاری در زناشویی و رضایت از ازدواج می‌باشد. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع، احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (سین‌ها و ماکرجک، ۱۹۹۰) زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی هستند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان مدیریت خوبی اعمال می‌کنند (گریف، ۲۰۰۰).

برای سازگاری در ازدواج برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است. لازمه ارتباط، یادگیری شریک شدن در افکار، احساسات، بازخوردهای مثبت و ابراز قدردانی می‌باشد (سیلین، ۲۰۰۱). سازگاری در زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی زن و شوهر به وجود می‌آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است. البته روزهای اول زندگی شایسته توجه جدی است. بنابراین سازگاری در زناشویی یک فرآیند تکاملی بین زن و شوهر است (لاسول و لاسول، ۱۹۸۲).

در پژوهش‌های مختلف تلاش‌هایی برای شناسایی عوامل مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین انجام شده است (فوورس و السن، ۱۹۸۶؛ هلمن و همکاران، ۱۹۹۵؛ برادباری و فینچام، ۲۰۰۰). بر این اساس عوامل گوناگونی به عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری در زناشویی شناسایی شده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به این عوامل اشاره نمود: عوامل زمینه‌ای - فردی از قبیل خانواده اصلی (وضعیت ازدواج والدین، وضعیت بهداشت روانی والدین، وضع کارکرد خانواده پدری)؛ عوامل اجتماعی - فرهنگی (میزان حمایت از طرف والدین، سن ازدواج، آموزش و تحصیلات، درآمد و شغل، طبقه و گروه اجتماعی، نوع جامعه)؛ وضعیت فعلی زندگی (حمایت دوستان، فشارهای درونی و بیرونی)؛ ویژگی‌های فردی (سلامت عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های بین فردی، انطباق با آداب و رسوم، سلامت جسمانی). عوامل ارتباطی دو جانبه از قبیل همگنی (همسانی در مذهب، همسانی در نژاد، همسانی در وضعیت اجتماعی - اقتصادی، همسانی در سن، همسانی در هوش، همسانی در تحصیلات، همسانی در ویژگی‌های کلی شخصیتی)؛ فرآیندهای بین فردی (درجه و میزان شناخت همدیگر، مدت نامزدی و ازدواج، روابط قبل از ازدواج، حاملگی و تولد کودک، مهارت‌های ارتباطی).

تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که شباهت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (برای مثال حیدری نسب، ۱۳۸۳، ص ۶۳)، شباهت ارزشی و نگرش‌ها (برای مثال رستمی، شکرکن و عطاری، ۱۳۸۳، ص ۹۴)، رضایت از رابطه جنسی (برای مثال دانش و نجاتیان، ۱۳۸۲، ص ۸۱)، عوامل شخصیتی (برای مثال روجرز، ۱۹۹۹ و گالیزوسکی، ۲۰۰۱)، صفات شخصیتی مانند دلبذیر بودن و روان رنجورخویی (عبداله‌زاده و گروسی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷)، برون‌گرایی - درون‌گرایی، روان‌پریشی، دروغ‌گویی و ابراز محبت بر رضایت از زندگی زناشویی تأثیر دارند.

کیوانلو (۱۳۸۳) نیز عوامل مؤثر بر رضایتمندی از زناشویی را به چهار دسته کلی طبقه‌بندی نموده است، این چهار دسته عبارتند از:

۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن هنگام ازدواج، فاصله سنی زوجین، سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی هر یک از زوجین، مسائل مالی، شاغل بودن، استرس‌های شغلی، شاغل بودن هر دو زوج و تأثیر آن، تقسیم کار، تفاوت‌های نژادی، ازدواج‌های بین فرهنگی، ازدواج مجدد، زندگی مشترک پیش از ازدواج، والد بودن یا نبودن، تعداد فرزندان و ...).

۲- خصوصیات و عوامل زمینه‌ای فردی (عوامل شخصیتی مؤثر مثل روان‌رنجوری، تفاوت شخصیتی، تیپ B و A و تأثیر آن، منبع کنترل، خلق و خو، ترجیحات شخصی، خودمختاری، وابستگی، علائق جنسی، سبک عاطفی هر یک از طرفین، نگرش به زندگی، اهداف شخصی، اسنادها، آرمان‌سازی، احساس استقلال، نگرش به جنسیت و ...).

۳- فرآیندهای بین فردی (رفتارهای تعاملی، مهارت‌های ارتباطی، سبک‌های حل مسئله و تعارض، کوشش‌های مقابله‌ای، میزان عشق یا محبت بین زوجین، کیفیت رابطه جنسی، اهداف مشترک، توافق در مسائل مذهبی و اعتقادی، سبک دلبستگی زوجین، آداب خانوادگی، همکاری در مراقبت از نوزاد، صمیمیت، تعهد و ...).

۴- استرس‌ها و وقایع زندگی (افسردگی شدید مادر، بیماری‌های روانی، بیماری‌های مزمن، فرزند معلول یا مختل از لحاظ رفتاری، مراقبت از همسر مریض یا معلول، مراقبت از یک فرد مسن در خانواده، بدگمانی شوهر، بازنشستگی، انسجام خانوادگی، رضایت در طول زندگی، بچه‌های بازگشتی به خانه، دوره آشیانه خالی، نازا بودن، آبستنی، خلق و خوی اولیه کودک، دختر و پسر نوجوان داشتن و الکی بودن همسر).

ازدواج‌های دانشجویی یکی از راهکارهای دستیابی به تشویق جوانان به سنت حسنه ازدواج است. این روش می‌تواند با فراگیر شدن الگویی ساده برای سایر قشرهای اجتماعی و نویددهنده یک ازدواج ساده با تکیه بر باورهای دینی باشد.

گزارش‌های مسئولان و دست‌اندرکاران ازدواج‌های دانشجویی حاکی از آن است که ازدواج‌های دانشجویی سن ازدواج را در کشور کاهش داده و به مطلوب‌ترین سن یعنی ۲۳ سال رسانده است، این در حالی است که میانگین سن ازدواج در کشور بالای ۲۷ سال است (اسدی، ۱۳۸۳، ص ۵).

از طرف دیگر جوانان بیش از آنکه برای ازدواج دغدغه داشته باشند، اضطراب و دل‌نگرانی‌های مربوط آنان به بعد از ازدواج است. جوانان می‌گویند: انتخاب همسر و برپایی جشن کارچندان سخت و دشواری نیست اما این که بتوان این ازدواج و زندگی را با همسر آینده به صورت ایده‌آل پیش برد، کاری مشکل و دردسرافرین است.

آمارها حاکی از افزایش طلاق در جامعه است که با توجه به این امر باید این نکته را در نظر داشت که دانشجویان نیز همچون سایر اقشار جامعه از گزند این آسیب در امان نخواهند بود.

به اعتقاد مشاوران خانواده از آنجا که اغلب ازدواج‌های دانشجویی در سال‌های نخست تحصیل و پیش از پایان تحصیلات دانشجویان انجام می‌شود، ضریب این آسیب‌پذیری نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، اگرچه مقوله ازدواج همواره به عنوان ارزشی مثبت مورد توجه بوده اما بارها بر تفکر عقلانی پیش از تصمیم‌گیری این مهم نیز تأکید شده است. به اعتقاد کارشناسان علوم اجتماعی، فراهم بودن شرایط نسبتاً مطلوب برای ازدواج اساس این تصمیم‌گیری است و پرداختن به چنین مقوله‌ای در محیط علمی و دانشگاهی و در میان قشر فرهیخته،

توجه، دقت و وسواس بیشتری می‌طلبد. به نظر می‌رسد با توجه به زیرساخت‌های ازدواج دانشجویی (خستگی جسمی و روانی، خلاءهای عاطفی، انتخاب صحیح، بیکاری، نداشتن مسکن یا هزینه بالای مسکن، عشق و محبت، خدمت سربازی، دریافت وام و هدایا) ضروری است که ضریب پایداری ازدواج‌های دانشجویی و میزان موفقیت آن به‌طور کامل بررسی شود و میزان رضایت از زندگی در ازدواج‌های دانشجویی مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار گیرد و عوامل مؤثر بر پایداری و دوام این‌گونه ازدواج‌ها بررسی گردد.

اگرچه بارها مسئولان ستاد ازدواج‌های دانشجویی به عنوان مشوقان اصلی این امر، بر پایداری ازدواج‌های دانشجویی تأکید کرده‌اند، اما تاکنون پژوهشی در مورد این امر به صورت مدون و کارشناسی انجام نگرفته است.

تحقیق حاضر تلاشی است در جهت پاسخ‌دهی به این سؤال که میزان رضایت از زندگی در ازدواج‌های دانشجویی چقدر است؟ عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در ازدواج‌های دانشجویی کدام است و سهم هر یک چقدر است؟ عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر رضایت از زناشویی کدامند و سهم هر یک چقدر است؟

## روش

روش تحقیق پروژه حاضر روش پیمایشی می‌باشد. در روش پیمایشی اطلاعات از طریق پرسشنامه یا مصاحبه به صورت میدانی در یک مقطع زمانی جمع‌آوری می‌شود و سپس به تجزیه تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

جامعه آماری پروژه حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه چهار (دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد خوراسگان، خمینی شهر، شهرضا، دهقان، بروجن، شهرکرد، کاشان، میمه، نایین، شهر مجلسی، فلاورجان، یزد و میبد) می‌باشد که در زمان دانشجویی ازدواج کرده‌اند چه اینکه یک طرف ازدواج

دانشجوی دختر (۱۳۷ نفر) یا دانشجوی پسر (۸۵ نفر) باشد یا هر دو طرف دانشجوی (۸۴ نفر) باشند.

به لحاظ گستردگی و پراکندگی جغرافیایی جامعه حدود ۱۵ درصد از کل جامعه برای تحقیق و مطالعه انتخاب شد. روش نمونه‌گیری به شیوه تصادفی منظم بود. به این صورت که بر مبنای نسبت نمونه به جامعه، از هر ۴ نفر یک نفر به شیوه تصادفی منظم انتخاب گردید. شیوه انتخاب بدین قرار بود که براساس فهرست اسامی دانشجویانی که در سال‌های مختلف ازدواج کرده بودند از هر ۴ نفر یکی به طور تصادفی انتخاب می‌شدند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران محاسبه شد و حجم نمونه مناسب ۳۲۲ نفر محاسبه گردید اما به لحاظ پراکندگی جغرافیایی حوزه تحقیق حدود ۴۸۰ پرسشنامه به آدرس زوج‌های دانشجوی ارسال شد که ۳۰۶ پرسشنامه به صورت کامل جهت تجزیه و تحلیل آماده گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق از سه پرسشنامه استفاده شده است:

۱- پرسشنامه اطلاعات فردی: برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سن فرد، سن همسر، سن فرد هنگام ازدواج، سن همسر هنگام ازدواج، شغل فرد، شغل همسر، مدت اشتغال فرد، مدت اشتغال همسر، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، سال اخذ مدرک، مدرک تحصیلی همسر، رشته تحصیلی همسر، سال اخذ مدرک همسر، محل سکونت از قبیل استان، شهر و روستا، محل سکونت والدین فرد و همسرش، شغل پدر فرد و همسرش، شغل مادر فرد و همسرش، تحصیلات پدر و مادر فرد و همسر و همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی زندگی زناشویی متغیرهایی همچون نسبت خویشاوندی با همسر، نحوه آشنایی با همسر، وضعیت مسکن، درآمد، زندگی با همسر،

ارتباط جنسی، ارتباط با همسر و ارتباط با خانواده همسر از پرسشنامه اطلاعات کیفی استفاده شده است.

۲- پرسشنامه رضایت از زندگی: برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به رضایت از زندگی زناشویی از دو پرسشنامه که یکی ۲۵ سوال و دیگری ۱۲ سوال دارد استفاده شد. پرسشنامه ۲۵ سوالی توسط والتر دبلیو هودسن<sup>۱</sup> برای اندازه‌گیری میزان، شدت یا دامنه مشکلات زن یا شوهر در رابطه زناشویی تدوین شده است. این شاخص دارای دو نمره برش است. یکی نمره  $5 \pm 30$  که نمرات کمتر از آن نشانه مشکلات بالینی قابل ملاحظه است. دومین نقطه برش، ۷۰ است. نمرات پایین‌تر از ۷۰ تقریباً همیشه نشانه آن است که فرد دچار استرس شدید است (ثنایی، ۱۳۷۹).

نمره‌گذاری شاخص رضایت زناشویی مانند اکثر ابزارهای اندازه‌گیری، ابتدا با معکوس نمودن و جمع کردن نمرات سوال‌های شماره ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۲، محاسبه می‌شود. سپس این نمرات با نمرات باقی‌مانده سوال‌ها جمع می‌شود، و از شماره سوالات کامل شده کسر می‌گردد، این رقم در ۱۰۰ ضرب می‌شود و بر ۶ برابر رقم سوالات پاسخ داده شده تقسیم می‌شود. دامنه رقم به دست آمده بین صفر تا ۱۰۰ است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده رضایت و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده شدت مشکلات زناشویی است.

پایایی شاخص رضایت از زناشویی ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹، ص ۴۶) پایایی با روش بازآزمایی دو ساعته ۰/۹۶ گزارش شده که از یک پایایی کوتاه مدت عالی برخوردار است.



اعتبار شاخص رضایت از زناشویی از یک اعتبار همزمانی عالی برخوردار است و با آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس<sup>۱</sup> همبستگی معنادار نشان می‌دهد. همچنین این شاخص از اعتبار بسیار خوب و با معنایی برای متمایز کردن زوج‌های مشکل‌دار و زوج‌های ظاهراً بدون مشکل برخوردار است. همچنین شاخص رضایت از زناشویی، دارای اعتبار سازه خوبی است یعنی با مقیاس‌هایی که نباید همبستگی داشته باشد، همبستگی ضعیفی نشان می‌دهد و با چندین مقیاس که نباید همبستگی خوبی داشته باشد، همبستگی معناداری نشان می‌دهد (ثنایی، ۱۳۷۹).

در تحقیق فعلی نیز ضریب پایایی ۰/۹۴ برای زنان و ۰/۹۳ برای مردان به دست آمده است و تمام سؤالات آن نیز از ضرایب همسانی درونی بالایی برخوردار است. پرسشنامه ۱۲ سوالی که سؤالات آن توسط محقق و همکاران از پرسشنامه‌های موجود در زمینه رضایت از زندگی زناشویی که پایایی و اعتبار آنها مناسب گزارش شده‌اند (ثنایی، ۱۳۷۹) انتخاب شده است. بنابراین، این پرسشنامه ۳۷ گویه جداگانه را می‌سنجد که از لحاظ کمی سه نمره دارد. پایایی پرسشنامه ۱۲ سوالی در تحقیق حاضر به ترتیب برای زنان ۰/۷۹ و برای مردان ۰/۷۰ محاسبه شده است.

داده‌های جمع‌آوری شده در پروژه حاضر در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شده‌اند. در سطح توصیفی از آماره‌های توزیع فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح استنباطی از آزمون‌های T و F، همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شده‌اند.

پس از تهیه پرسشنامه‌ها و دستیابی به فهرست اسامی جامعه آماری و انتخاب افراد به صورت تصادفی، آدرس دانشجویان از دانشگاه اخذ و به منازل آنها مراجعه گردید. پس از توضیح درباره هدف پروژه، پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار داده شد. پرسشنامه‌ها در طی یک دوره چهار ماهه یعنی از اواسط آبان ماه ۱۳۸۳ تا اواسط اسفندماه ۱۳۸۳ جمع‌آوری گردید.

### یافته‌ها

جدول ۱: توزیع فراوانی سطوح پاسخ‌گویی به متغیرهای موثر بر رضایت از زناشویی

به تفکیک زن و مرد (n=۳۰۶)

متغیرها	جنس	ضعیف		متوسط		خوب	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱- محبت کردن به همسر	زن	۹	۳	۲۰	۶/۵	۲۷۷	۹۰/۵
	مرد	۸	۲/۶	۱۶	۵/۲	۲۸۲	۹۲/۱
۲- خوش رفتاری با همسر	زن	۱۷	۵/۶	۳۳	۱۰/۸	۲۵۶	۸۳/۶
	مرد	۲۰	۶/۶	۳۱	۱۰/۱	۲۵۵	۸۳/۳
۳- اهمیت دادن به همسر	زن	۱۶	۵/۳	۱۶	۵/۲	۲۷۴	۸۹/۵
	مرد	۱۲	۴	۱۷	۵/۵	۲۷۷	۹۰/۵
۴- انتخاب مجدد همسر فعلی	زن	۴۵	۱۴/۸	۲۲	۷/۲	۲۳۹	۷۸
	مرد	۳۹	۱۲/۸	۱۸	۵/۹	۲۴۹	۸۱/۳
۵- اعتماد به همسر	زن	۱۹	۶/۲	۷	۲/۳	۲۸۰	۹۱/۵
	مرد	۸	۲/۶	۷	۲/۴	۲۹۱	۹۵
۶- مستحکم شدن رابطه	زن	۱۲	۴/۳	۱۴	۴/۶	۲۸۰	۹۱/۵
	مرد	۱۳	۸/۲	۹	۲/۹	۲۸۴	۹۲/۸
۷- درک کردن همسر	زن	۲۵	۸/۸	۲۶	۸/۵	۲۵۵	۸۳/۳
	مرد	۲۷	۴/۹	۲۷	۸/۸	۲۵۲	۸۲/۴
۸- رابطه خوب	زن	۱۵	۲/۳	۱۱	۳/۶	۲۸۰	۹۱/۵
	مرد	۷	۴/۲	۱۴	۴/۶	۲۸۵	۹۳/۱
۹- رابطه خوب و خوش	زن	۱۳	۳/۳	۱۹	۶/۲	۲۷۴	۸۹/۵
	مرد	۱۰	۶/۵	۱۱	۳/۶	۲۸۵	۹۳/۱
۱۰- زندگی با نشاط	زن	۲۰	۶/۵	۱۹	۶/۲	۲۶۷	۸۷/۲
	مرد	۲۰	۴/۳	۲۰	۶/۵	۲۶۶	۸۷
۱۱- خوش بودن در کنار	زن	۱۳	۳/۷	۱۵	۴/۹	۲۷۸	۹۰/۸

۹۲/۲	۲۸۲	۴/۲	۱۳	۸/۲	۱۱	مرد	همسر
۸۸/۲	۲۷۰	۳/۶	۱۱	۷/۳	۲۵	زن	۱۲- اطمینان به همسر
۸۸/۸	۲۷۲	۳/۹	۱۲	۵/۶	۲۲	مرد	
۹۱/۱	۲۷۹	۳/۳	۱۰	۳/۹	۱۷	زن	۱۳- رابطه صمیمانه
۹۳/۱	۲۸۵	۲/۹	۹	۷/۵	۱۲	مرد	
۸۶/۶	۲۶۵	۵/۹	۱۸	۱۰/۵	۲۳	زن	۱۴- تکیه بر همسر
۸۳/۶	۲۵۶	۵/۹	۱۸	۸/۲	۳۲	مرد	
۸۱	۲۴۸	۱۰/۸	۳۳	۶/۲	۲۵	زن	۱۵- علائق مشترک
۸۵/۳	۲۶۱	۸/۵	۲۶	۱۰	۱۹	مرد	
۷۸/۴	۲۴۰	۱۱/۴	۳۵	۷/۸	۳۱	زن	۱۶- حل اختلاف نظرها
۸۴	۲۵۷	۸/۲	۲۵	۶/۸	۲۴	مرد	
۸۶/۴	۲۶۴	۶/۸	۲۱	۴/۹	۲۱	زن	۱۷- حل مسائل مالی
۸۹/۵	۲۷۴	۵/۶	۱۷	۴/۹	۱۵	مرد	
۸۶/۹	۲۶۵	۷/۲	۲۲	۶/۲	۱۹	زن	۱۸- عدم پشیمانی از ازدواج
۸۹/۲	۲۷۳	۴/۶	۱۴	۶/۲	۱۹	مرد	
۸۹/۲	۲۷۳	۵/۲	۱۶	۵/۶	۱۷	زن	۱۹- کنار آمدن با یکدیگر
۸۹/۹	۲۷۵	۴/۲	۱۳	۵/۹	۱۸	مرد	
۹۲/۱	۲۸۲	۲/۳	۷	۵/۶	۱۷	زن	۲۰- رابطه با ثبات
۹۳/۸	۲۸۷	۲/۹	۹	۳/۳	۱۰	مرد	
۹۲	۲۸۲	۴	۱۲	۴	۱۲	زن	۲۱- مایه آرامش همسر بودن
۹۱/۱	۲۷۹	۵/۶	۱۷	۳/۳	۱۰	مرد	
۹۱/۲	۲۷۹	۲	۶	۶/۸	۲۱	زن	۲۲- اهمیت داشتن همسر
۹۳/۴	۲۸۶	۲/۶	۸	۴	۱۲	مرد	
۹۰/۲	۲۶۶	۳/۶	۱۱	۶/۲	۱۹	زن	۲۳- درخشان بودن آینده رابطه
۹۳/۱	۲۸۵	۴/۲	۱۳	۳	۹	مرد	
۸۹/۲	۲۷۳	۴/۶	۱۴	۶/۲	۱۹	زن	۲۴- رابطه پربار و با محتوا
۹۰/۸	۲۷۸	۴/۹	۱۵	۴/۲	۱۳	مرد	
۸۲/۷	۲۵۳	۸/۸	۲۷	۸/۵	۲۶	زن	۲۵- وجود هیجان در روابط
۸۶	۲۶۳	۷/۲	۲۲	۶/۸	۲۱	مرد	
۸۳	۲۵۱	۸/۵	۲۶	۹/۵	۲۹	زن	۲۶- تلاش برای اجتناب از درگیری با همسر
۸۴	۲۵۷	۵/۹	۱۸	۱۰/۱	۳۱	مرد	
۷۷/۲	۲۳۶	۷/۸	۲۴	۱۵	۴۶	زن	۲۷- عشق‌ورزی
۷۴/۵	۲۲۸	۱۲/۷	۳۹	۱۲/۷	۳۹	مرد	
۸۳/۴	۲۵۵	۶/۹	۲۱	۹/۸	۳۰	زن	۲۸- حساب کردن روی همسر
۸۶/۹	۲۶۶	۵/۹	۱۸	۷/۱	۲۲	مرد	

۷۹/۴	۲۴۳	۱۱/۴	۳۵	۹/۲	۲۸	زن	۲۹- خوب شنونده بودن همسر
۸۶/۳	۲۶۴	۶/۹	۲۱	۶/۹	۲۱	مرد	
۷۹/۷	۲۴۴	۹/۵	۲۹	۱۰/۸	۳۳	زن	۳۰- خوش گذشتن با همسر
۸۱/۴	۲۴۹	۱۲/۴	۳۸	۶/۲	۱۹	مرد	
۸۶/۲	۲۶۴	۶/۹	۲۱	۶/۹	۲۱	زن	۳۱- صداقت همسر
۹۰/۵	۲۷۷	۵/۲	۱۶	۴۳/۳	۱۳	مرد	
۷۵/۲	۲۳۰	۱۹/۳	۵۹	۵/۶	۱۷	زن	۳۲- لذت از رابطه جنسی با همسر
۸۵	۲۶۰	۱۳/۱	۴۰	۲	۶	مرد	
۸۵/۳	۲۶۱	۸/۲	۲۵	۶/۵	۲۰	زن	۳۳- انتخاب درست همسر
۹۱/۸	۲۸۱	۳/۹	۱۲	۴/۲	۱۳	مرد	
۷۲/۵	۲۲۲	۱۷	۵۲	۱۰/۵	۳۲	زن	۳۴- شباهت عقاید مذهبی
۷۳/۵	۲۲۵	۱۶/۳	۵۰	۱۰/۲	۳۱	مرد	
۷۶/۲	۲۳۳	۱۲/۷	۳۹	۱۱/۱	۳۴	زن	۳۵- توافق بر سر هزینه کردن پول
۷۷/۱	۲۳۶	۱۴/۱	۴۳	۸/۹	۲۷	مرد	
۸۵	۲۶۰	۴/۹	۱۵	۱۰/۱	۳۱	زن	۳۶- عادت نداشتن همسر به مصرف سیگار و یا مشروب
۹۳/۸	۲۸۷	۲	۶	۴/۲	۱۳	مرد	
۷۵/۱	۲۳۰	۱۱/۵	۳۵	۱۳/۴	۴۱	زن	۳۷- توافق در مورد ارتباط با دیگران
۷۷/۱	۲۳۶	۱۰/۱	۳۱	۱۲/۷	۳۹	مرد	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که متغیرهای رضایت از زناشویی زیر به ترتیب در زنان خوب گزارش شده است:

- ۱- رابطه باثبات (۹۲/۱ درصد)، ۲- مایه آرامش همسر بودن (۹۲ درصد)،
- ۳- مستحکم شدن رابطه (۹۱/۵ درصد)، ۴- رابطه خوب (۹۱/۵ درصد)، ۵-
- اعتماد به همسر (۹۱/۵ درصد)، ۶- رابطه صمیمانه (۹۱/۱ درصد)، ۷- اهمیت داشتن همسر (۹۱/۲ درصد) و ۸- محبت کردن به همسر (۹۰/۵ درصد).

همچنین متغیرهای رضایت از زناشویی زیر به ترتیب در مردان خوب گزارش شده است:

- ۱- اعتماد به همسر (۹۵ درصد)، ۲- رابطه باثبات (۹۳/۸ درصد)، ۳- عادت نداشتن همسر به سیگار و... (۹۳/۸ درصد)، ۴- اهمیت داشتن همسر (۹۳/۴ درصد)، ۵- آینده درخشان رابطه (۹۳/۱ درصد)، ۶- رابطه خوب و خوش

۹۳/۱) در صد)، ۷- رابطه خوب (۹۳/۱ درصد)، ۸- رابطه صمیمانه (۹۳/۱ درصد)، ۹- مستحکم شدن رابطه (۹۲/۸ درصد)، ۱۰- خوش بودن در کنار همسر (۸۴/۱ درصد)، ۱۱- محبت کردن به همسر (۹۲/۱ درصد)، ۱۲- مایه آرامش بودن همسر (۹۱/۱ درصد)، ۱۳- رابطه پربار (۹۰/۸ درصد) و ۱۴- صداقت همسر (۹۰/۵ درصد).

متغیرهای زناشویی ضعیف مشترک بین زنان و مردان عبارت است از: عشق ورزی، انتخاب مجدد همسر فعلی، توافق در مورد ارتباط با دیگران، توافق بر سر نحوه هزینه کردن پول، تلاش برای اجتناب از درگیری با همسر، حساب کردن روی همسر، شباهت عقاید مذهبی، حل اختلاف نظرها.

متغیرهای زناشویی قوی مشترک بین زنان و مردان عبارت است از: اعتماد به همسر، رابطه باثبات، اهمیت داشتن همسر، رابطه خوب، رابطه صمیمانه، مستحکم شدن رابطه، محبت کردن به همسر و مایه آرامش همسر بودن می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اکثر متغیرهای قوی زناشویی ذکر شده توسط زنان و مردان مربوط به رابطه می‌باشد، یعنی هر دو به اهمیت آنها اشاره کرده‌اند.

جدول ۲: سطوح رضایت از زندگی زناشویی زوج‌های دانشجویی

مردان		زنان		سطوح رضایت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۷	۲	۱	۳	کم
۱/۳	۴	۰/۷	۲	متوسط
۹۸	۳۰۰	۹۸/۳	۳۰۱	زیاد
۱۰۰	۳۰۶	۱۰۰	۳۰۶	کل

جدول بالا نشان می‌دهد که ۱ درصد از زنان شرکت‌کننده در تحقیق، رضایت از زندگی زناشویی خود را کم گزارش کرده‌اند در حالی که مردان ۰/۷ درصد

رضایت از زندگی زناشویی خود را کم گزارش کرده‌اند. همچنین ۰/۷ درصد از زنان و ۱/۳ درصد از مردان رضایت از زندگی خود را متوسط اعلام کرده‌اند. در مجموع رضایت از زندگی اکثر زوج‌های شرکت‌کننده در تحقیق زیاد (۹۸ درصد) گزارش شده است. ولی بررسی میزان متغیرهای ضعیف زناشویی نیز نشان می‌دهد که حداکثر میزان نارضایتی زناشویی (۱۵ درصد) می‌باشد. لذا با احتساب درصد طلاق (۲/۳ درصد) و عدم رضایت از زندگی (۱۵ درصد) ازدواج‌های ناموفق ۱۷/۳ درصد می‌باشد.

برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی زنان از رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج رگرسیون پیش بینی رضایت از زندگی زناشویی زنان از روی

متغیرهای مربوط به مردان

متغیر وارد شده	گروه‌ها	R	R <sup>2</sup>	F	sig	آماره تغییرات					
						خطای معیار	R <sup>2</sup> تغییر	F تغییر	df	df	sig
۱	کنار آمدن یا یکدیگر	مرد	۰/۳۶۷	۱۷۰/۲۰	۰/۰۰۰۱	۲۲/۳۷	۰/۳۶۷	۱۷۸/۰۶	۱	۳۰۴	۰/۰۰۰۱
۱	تکیه به همسر	زن	۰/۳۶۹	۱۵۵/۷۸	۰/۰۰۰۱	۱۸/۹۸	۰/۴۰۹	۲۰۹/۶۰	۱	۳۰۳	۰/۰۰۰۱
۲	رابطه پریار و یا محتوا	مرد	۰/۳۳۰	۱۴۵/۸۳	۰/۰۰۰۱	۲۱/۰۹	۰/۱۱۹	۷۰/۱۸	۱	۳۰۳	۰/۰۰۰۱
۲	رابطه پریار و یا محتوا	زن	۰/۳۱۲	۱۲۱/۴۲	۰/۰۰۰۱	۱۷/۳۷	۰/۰۹۸	۵۹/۸۱	۱	۳۰۲	۰/۰۰۰۱
۳	علاقه مشترک	مرد	۰/۳۵۵	۱۱۲/۱۷	۰/۰۰۰۱	۲۰/۲۱	۰/۰۴۴	۲۸/۰۰۹	۱	۳۰۲	۰/۰۰۰۱
۳	رابطه خوب	زن	۰/۳۵۰	۱۰۴/۲۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۳۸	۰/۰۵۶	۳۸/۷۳	۱	۳۰۱	۰/۰۰۰۱
۴	اهمیت دادن به همسر	مرد	۰/۳۶۹	۹۱/۶۴	۰/۰۰۰۱	۱۹/۵۴	۰/۰۳۲	۲۲/۱۸	۱	۳۰۱	۰/۰۰۰۱
۴	خوش رفتاری یا همسر	زن	۰/۳۷۹	۸۷/۰۸	۰/۰۰۰۱	۱۵/۵۷	۰/۰۴۳	۳۳/۰۲	۱	۳۰۰	۰/۰۰۰۱
۵	اطمینان به همسر	مرد	۰/۳۸۳	۷۹/۹۴	۰/۰۰۰۱	۱۹/۱۳	۰/۰۲۰	۱۴/۰۶۵	۱	۳۰۰	۰/۰۰۰۱
۵	زندگی با نشاط	زن	۰/۳۹۰	۷۶/۴	۰/۰۰۰۱	۱۵/۲۳	۰/۰۱۸	۱۴/۴۷	۱	۲۹۹	۰/۰۰۰۱

در مجموع تمامی متغیرهای مؤثر بر رضایت از زناشویی (۳۷ متغیر) تأثیر معنی‌داری بر رضایت از زندگی زناشویی زنان دارد اما ۵ متغیر ذکر شده در جدول بالا ۶۱/۳ درصد واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌نماید در حالی که ۳۲ متغیر دیگر حدود ۳۸/۷ درصد واریانس رضایت از زندگی زنان را تبیین می‌نماید.

همچنین تمامی متغیرهای (۳۷ متغیر) مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی تأثیر معناداری بر رضایت از زندگی مردان دارد ولی پنج متغیر تکیه به همسر، رابطه پربار و با محتوا، رابطه خوب، خوش‌رفتار با همسر و زندگی با نشاط ۶۲/۵ درصد واریانس رضایت از زندگی زناشویی مردان را تبیین می‌نماید و ۳۲ متغیر دیگر حدود ۳۷/۶ درصد واریانس را تبیین می‌نماید.

جدول ۴: خلاصه نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی زنان و مردان

متغیر وارد شده	گروه‌ها	R	R <sup>2</sup>	F	sig	آماره‌های تغییرات					
						خطای معیار	تغییر R <sup>2</sup>	F تغییر	df	df	sig
۱ زندگی با نشاط	زن	۰/۷۸۴	۰/۶۱۵	۴۷۳/۰۹	۰/۰۰۰۱	۱۸/۲۳	۰/۶۱۵	۴۸۴/۸۳	۱	۳۰۳	۰/۰۰۰۱
۱ رابطه برابر و با محتوا	مرد	۰/۷۶۹	۰/۵۹۱	۴۱۲/۰۳	۰/۰۰۰۱	۱۵/۸۹	۰/۵۹۱	۴۴۰/۰۵	۱	۳۰۴	۰/۰۰۰۱
۲ رابطه برابر و با محتوا	زن	۰/۸۸۸	۰/۷۸۸	۵۵۵/۲۲	۰/۰۰۰۱	۱۳/۵۵	۰/۱۷۳	۲۴۶/۰۶	۱	۳۰۲	۰/۰۰۰۱
۲ رابطه خوب	مرد	۰/۸۷۱	۰/۷۵۹	۴۴۹/۱۲	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۴	۰/۱۶۷	۲۰۹/۶۸	۱	۳۰۳	۰/۰۰۰۱
۳ علائق مشترک	زن	۰/۹۱۹	۰/۸۴۴	۵۵۰/۶۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۶۵	۰/۰۵۶	۱۰۷/۶۴	۱	۳۰۱	۰/۰۰۰۱
۳ کنار آمدن یا یکدیگر	مرد	۰/۹۰۵	۰/۸۱۹	۴۱۲/۵۸	۰/۰۰۰۱	۱۰/۶۲	۰/۰۶۰	۱۰۰/۳۱	۱	۳۰۲	۰/۰۰۰۱
۴ اهمیت دادن به همسر	زن	۰/۹۳۶	۰/۸۷۵	۵۰۷/۱۵	۰/۰۰۰۱	۱۰/۴۳	۰/۰۳۱	۷۵/۷۲	۱	۳۰۰	۰/۰۰۰۱
۴ علائق مشترک	مرد	۰/۹۲۸	۰/۸۶۱	۴۴۳/۷۵	۰/۰۰۰۱	۹/۳۲	۰/۰۴۲	۹۰/۵۴	۱	۳۰۱	۰/۰۰۰۱
۵ خوش گذشتن یا همسر	زن	۰/۹۴۹	۰/۹۰۱	۵۱۹/۹۰	۰/۰۰۰۱	۹/۳۱	۰/۰۲۶	۷۷/۱۵	۱	۲۹۹	۰/۰۰۰۱
۵ عدم پشیمانی از ازدواج	مرد	۰/۹۴۱	۰/۸۸۶	۴۴۵/۷۹	۰/۰۰۰۱	۸/۴۶	۰/۰۲۵	۶۵/۲۶	۱	۳۰۰	۰/۰۰۰۱

در مجموع نتایج نشان می‌دهد که پنج متغیر زندگی با نشاط، رابطه برابر و با محتوا، علائق مشترک، اهمیت دادن به همسر و خوش گذشتن با همسر ۹۰/۱ درصد واریانس رضایت از زندگی زنان را تبیین می‌نمایند در حالی که ۳۲ متغیر دیگر حدود ۹/۹ درصد واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌نمایند. همچنین پنج متغیر رابطه برابر و با محتوا، رابطه خوب، کنار آمدن با یکدیگر، علائق مشترک و عدم پشیمانی از ازدواج ۸۸/۶ درصد واریانس رضایت از



زندگی مردان را تبیین می‌نماید در حالی که ۳۲ متغیر دیگر حدود ۱۱/۴ درصد واریانس رضایت از زندگی مردان را تبیین می‌نماید.

مقایسه تحلیل‌های رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که مهمترین متغیر مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی، متغیر کنار آمدن با یکدیگر در درجه اول و رابطه پربار و پر محتوا در درجه دوم و داشتن علائق مشترک در مرحله سوم و اهمیت دادن به همسر در مرحله چهارم می‌باشد.

برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مربوط به زنان بر رضایت از زندگی آنها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. خلاصه نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی زنان و مردان

برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

	متغیر وارد شده	گروه‌ها	R	R <sup>2</sup>	F	آماره‌های تغییرات						
						خطای معیار	تغییر R <sup>2</sup>	تغییر F	df	df	sig	
۱	سواد مادر	زن	۰/۴۴۴	۰/۱۹۸	۵/۹۷۲	۰/۰۲۷	۲۵/۵۸	۰/۱۹۸	۷/۱۱	۱	۲۹	۰/۰۱۲
۲	محل سکونت مرد	مرد	۰/۳۰۱	۰/۰۹۱	۰/۳۱۲	۰/۰۰۱	۳۷/۰۰۱	۰/۰۹۱	۱۲/۹۳	۱	۱۳۰	۰/۰۰۰۱
۳	بیان خواسته‌های خود به همسر	زن	۰/۵۵۲	۰/۳۰۵	۸/۳۴۵	۰/۰۰۴	۲۴/۲۱	۰/۱۰۸	۴/۳۶	۱	۲۸	۰/۰۴۶
۴	اطلاع از پس‌انداز مرد	مرد	۰/۳۸۴	۰/۱۴۷	۸/۷۷۰	۰/۰۰۱	۲۶/۲۴	۰/۰۵۷	۸/۵۷	۱	۱۲۹	۰/۰۰۴

نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در مرحله اول سواد مادر زنان ۱۹/۸ درصد واریانس رضایت از زندگی آنان را تبیین می‌نماید و در مرحله دوم سواد مادر و بیان خواسته‌های خود به همسر به طور همزمان ۳۰/۵ درصد واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌نماید و سایر متغیرها از قبیل سن، تحصیلات، رشته تحصیلی، اشتغال، محل سکونت، شغل پدر و مادر، تحصیلات

پدر، نسبت خویشاوندی، نحوه آشنایی، مسکن، درآمد، زندگی با همسر، رابطه جنسی، رابطه با خانواده همسر و ... از مدل رگرسیون خارج شده‌اند.

همچنین نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در مرحله اول محل سکونت مرد، ۹/۱ درصد واریانس رضایت از زندگی زنان را تبیین می‌نماید و در مرحله دوم محل سکونت مرد و اطلاع از پس‌انداز مرد ۱۴/۷ درصد رضایت از زندگی زنان را تبیین می‌نماید و سایر متغیرها از قبیل سن مرد، تحصیلات مرد، رشته تحصیلی مرد، اشتغال، شغل پدر و مادر مرد، تحصیلات پدر و مادر مرد، نسبت خویشاوندی، نحوه آشنایی، مسکن، درآمد، زندگی با همسر، رابطه جنسی، رابطه با خانواده همسر و ... از مدل رگرسیون خارج شده‌اند.

برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مربوط به مردان بر رضایت از زندگی آنها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. خلاصه نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶: خلاصه نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان

برحسب متغیرهای مربوط به خودشان

	متغیرهای وارد شده	R	R <sup>2</sup>	F	sig	آماره های تغییرات					
						خطای معیار	R <sup>2</sup>	تغییر	تغییر F	df	df
۱	محل سکونت مرد	۰/۳۵۸	۰/۱۲۸	۱۶/۰۴	۰/۰۰۰۱	۲۲/۳۳	۰/۱۲۸	۱۹/۱۱	۱	۱۳۰	۰/۰۰۰۱
۲	شغل مرد	۰/۴۸۴	۰/۲۳۷	۱۰/۷۲	۰/۰۰۰۱	۲۱/۹۳	۰/۰۳۷	۵/۷۴	۱	۱۲۹	۰/۰۰۰۱

نتایج رگرسیون چند متغیره بالا نشان می‌دهد که در مرحله اول محل سکونت مرد، ۱۲/۸ درصد واریانس رضایت از زندگی مردان را تبیین می‌نماید و در مرحله دوم، محل سکونت مرد و شغل مرد همزمان ۲۳/۷ درصد واریانس رضایت از زندگی مردان را تبیین می‌نماید.

در مجموع تحلیل‌های رگرسیون چند متغیره بر حسب متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و آموزشی و غیره نشان می‌دهد که محل سکونت مرد، شغل مرد، سواد مادر زن، بیان خواسته‌های زن به همسرش، اطلاع زن از پس‌انداز مرد و اطلاع زن از کمک همسرش به خانواده از متغیرهای مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی زوج‌های دانشجویی هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه بشری توصیف شده است، زیرا ساختار اولیه برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت نسل آینده را فراهم می‌سازد (لارسون و هلمن، ۱۹۹۴). یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی، رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند (تانی گوجی و همکاران، ۲۰۰۶) ولیکن آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی است (هالفورد، ۱۳۸۴) نشانگر آن است که رضایت از زناشویی به آسانی قابل دست‌یابی نیست (رزن‌گران‌دن و همکاران، ۲۰۰۴) و به عوامل بسیار زیادی بستگی دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۱/۲ درصد از زنان شرکت‌کننده در تحقیق رضایت از زناشویی خود را کم گزارش کرده‌اند و ۰/۸ درصد آنان نیز رضایت متوسط را داشته‌اند در حالی که در مردان رضایت از زناشویی کم دیده نمی‌شود و ۰/۸ درصد آنها رضایت از زناشویی متوسط داشته‌اند. در مجموع، ۹۸ درصد زوجها رضایت از زناشویی زیاد داشته‌اند.

در تحقیق حاضر، نسبت طلاق در زوج‌هایی که در زمان دانشجویی ازدواج کرده‌اند ۲/۳ درصد است و در زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند ۲ درصد نیز رضایت کم یا متوسط دارند. ولی بررسی میزان عوامل ضعیف زناشویی نیز نشان می‌دهد که حداکثر میزان عوامل ضعیف زناشویی (۱۵ درصد) می‌باشد. لذا با

احتساب درصد طلاق (۲/۳ درصد) و عدم رضایت از زندگی (۱۵ درصد) ازدواج‌های ناموفق ۱۷/۳ درصد می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای محبت کردن به همسر، خوش رفتاری با همسر، اهمیت دادن به همسر، انتخاب مجدد همسر فعلی، اعتماد به همسر، مستحکم شدن رابطه، درک کردن همسر، رابطه خوب و خوش، زندگی با نشاط، خوش بودن در کنار همسر، اطمینان به همسر، رابطه صمیمانه، تکیه بر همسر، علائق مشترک، حل اختلاف نظرها، حل مسائل مالی، عدم پشیمانی از ازدواج با همسر فعلی، کنار آمدن با همدیگر، رابطه باثبات، مایه آرامش بودن همسر، اهمیت دادن به همسر، درخشان بودن آینده رابطه، رابطه پر بار و با محتوا، وجود هیجان در روابط، تلاش برای اجتناب از درگیری با همسر، عشق ورزی، حساب کردن روی همسر، خوب شنونده بودن همسر، خوش گذشتن با همسر، صداقت همسر، لذت از رابطه جنسی، انتخاب درست همسر، شباهت عقاید مذهبی، توافق بر سر نحوه پول خرج کردن، عادت نداشتن همسر به استفاده از سیگار و مشروب و توافق در مورد ارتباط با دیگران، در زوج‌های دانشجو بیشتر از متوسط گزارش شده است. در مجموع، رضایت از زندگی زناشویی در این زوجها بیشتر از متوسط گزارش شده است.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی، متغیر کنار آمدن با یکدیگر، رابطه پر بار و با محتوا، داشتن علائق مشترک و اهمیت دادن به همسر می‌باشد که بیش از ۶۵ درصد واریانس رضایت از زندگی زناشویی را تبیین می‌نماید. (کار، ۲۰۰۴) موفقیت در ازدواج را با نحوه ارتباط برقرار کردن همسران با یکدیگر، نحوه تصمیم‌گیری آنها، نحوه کنار آمدن‌شان با تعارضات مرتبط می‌داند. ناک (۱۹۹۵) نقل از جعفر یزدی و همکاران، (۱۳۸۴) یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در ازدواج موفق

را وجود حس تعهد برمی‌شمارد. فوورس و السون (۱۹۸۹) ویژگی‌هایی هم چون اهمیت دادن به روابط بین فردی را در سازگاری زناشویی مهم می‌پندارند. ویس و هیمن (۱۹۹۷ نقل از جعفر یزدی و همکاران، ۱۳۸۴) گزارش کرده‌اند که همسران شاد و سازگار نسبت به همسرانی که سازگاری و رضایت از زناشویی ندارند از همدلی، مهارت حل مسئله، تحمل فشار، شادکامی و خوش‌بینی بیشتری برخوردارند. هیکس و پالات (۱۹۷۰ نقل از جعفر یزدی و همکاران، ۱۳۸۴) مسئولیت‌پذیری، همدلی، توانایی کنارآمدن با فشارهای زندگی را از جمله موارد دارای ارتباط مثبت با شادی و رضایت در ازدواج می‌دانند.

نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی نشان می‌دهد که سواد مادر زنان شرکت‌کننده در تحقیق و بیان خواسته‌های زن به همسرش از پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌دار رضایت از زندگی زناشویی زنان می‌باشد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که محل سکونت شوهر و اطلاع از پس‌انداز شوهر نیز از پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از زندگی زناشویی زنان محسوب می‌شوند. ناکونزیو راجرز (۱۹۹۵) طبقه اجتماعی، جین (۱۹۹۶) نوع جامعه، لاپوز (۱۹۸۶) افول ارزش‌ها و تهاجم فرهنگی، ناکونزی و راجرز (۱۹۹۵) سطح تحصیلات را مؤثر بر رضایت از زناشویی گزارش کرده‌اند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که متغیر اطلاع زن از پس‌انداز همسر و اطلاع زن از کمک همسر به خانواده و محل سکونت مرد و شغل مرد از پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌دار رضایت از زندگی زناشویی مردان محسوب می‌شوند و سایر متغیرها در حضور این متغیرها تأثیر معناداری ندارند. علاوه بر این، زنانی که هنگام تحقیق دانشجو بودند رضایت از زناشویی کمتری داشتند تا زنانی که یا زمان دانشجویی آنها گذشته یا تحصیلات دانشگاهی نداشتند. هلمن و

همکاران (۱۹۹۵) و برادباری و فینچام (۲۰۰۰) نیز درآمد و شغل و آموزش و تحصیلات را بر رضایت از زناشویی موثر گزارش کرده‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رضایت از زندگی زناشویی زنان شرکت‌کننده در تحقیق بر حسب استان محل سکونت خود تفاوت معناداری ندارد ولی رضایت از زندگی مردان شرکت‌کننده در تحقیق بر حسب استان محل سکونت خود تفاوت معناداری دارد. مقایسه زوج‌های استان‌های مختلف نشان می‌دهد که مردانی که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کنند رضایت کمتری دارند. سپس مردانی که به غیر از استان‌های اصفهان، تهران، یزد و خوزستان در سایر استان‌ها زندگی می‌کنند رضایت کمتری دارند. همچنین، زوج‌های شهری رضایت از زندگی زناشویی بالاتری نسبت به زوج‌های روستایی دارند.

از آنجائی که برخی از زوجها هنگام تحقیق هنوز در دوران عقد به‌سر می‌بردند و زندگی مشترک را هنوز شروع نکرده بودند، رضایت از زندگی آنها با زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کردند، مقایسه گردید. نتایج نشان داد که رضایت از زندگی زناشویی مردانی که با زنان خود زندگی نمی‌کنند بالاتر از مردانی است که با همسر خود زندگی را شروع کرده‌اند.

یکی دیگر از نتایج تحقیق این بود که رضایت از زندگی زناشویی زوج‌های دارای نسبت خویشاوندی و زوج‌هایی که نسبت خویشاوندی نداشتند تفاوت معناداری نداشت. بنابراین، متغیر خویشاوندی، متغیر تأثیرگذاری بر رضایت از زندگی زناشویی نمی‌باشد. همچنین نوع نسبت خویشاوندی (نزدیک، دور و متوسط) تأثیری بر رضایت از زندگی زناشویی زوجین نداشته است. یافته دیگر تحقیق نشان داد که رضایت از زندگی زناشویی در زوج‌هایی که مدت زمانی از ازدواج آنها گذشته و سن زوجین به هنگام ازدواج و در حال حاضر رابطه منفی دارد. به عبارت دیگر، هر چه از عمر زندگی مشترک آنها می‌گذرد رضایت از

زندگی آنها کمتر می‌شود. نیولون (۲۰۰۰) ناسازگاری زناشویی را به عنوان اشتباه جوانی تلقی کرده و آن را مرتبط با سن ازدواج شناسایی و معرفی می‌کند. همچنین زوج‌هایی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند در ابتدا رضایت بالایی دارند ولی با افزایش سن رضایت آنها کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج تحقیقات لاسول و لاسول (۱۹۸۲) که بیان می‌کند سازگاری در زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی به وجود می‌آید همخوانی ندارد. دلیل این امر می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که زمان زیادی از عمر ازدواج‌های دانشجویی نمونه تحقیق نگذشته است.

بررسی تأثیر نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر به هنگام ازدواج بر رضایت از زندگی آنها نشان می‌دهد که نحوه آشنایی (از طریق دوستان، فامیل یا دیدن همدیگر) تأثیری بر رضایت از زندگی زوجین ندارد ولی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد زنانی که از طریق دوستان خود با همسرشان آشنا شده‌اند رضایت بیشتری دارند ولی مردانی که از طریق فامیل با همسرشان آشنا شده‌اند رضایت بالاتری دارند. فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۷۸) نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر را به عنوان متغیر مؤثر در رضایت از زناشویی شناسایی کرده‌اند.

بررسی تأثیر وضعیت مسکن زوجین نشان می‌دهد که رضایت از زندگی زناشویی زوجین بر حسب وضعیت مسکن (ملکی، اجاره یا رهن، پدری، منزل پدر همسر) تفاوت معناداری ندارد. این یافته با این نتیجه که شغل مرد پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی است همخوانی دارد. اگر زوجین به ویژه مردان شغل پایداری داشته باشند دیگر مسئله مسکن در درجه اول اهمیت نخواهد بود.

برای تأیید نتایج به دست آمده از این پژوهش رضایت از زندگی زناشویی زوجینی که واکنش‌های رفتاری متفاوت (قهر کردن، مشاجره و فحش دادن) در

آنها گزارش شده بود، مقایسه گردید. نتایج نشان داد زوجینی که رفتارهای فحاشی به یکدیگر در آنها گزارش شده بود رضایت از زندگی پایین تری داشتند. علاوه بر نتایج بالا ضریب همبستگی رضایت از زندگی زوجین نشان داد که رضایت از زندگی زناشویی زوجین با یکدیگر همبستگی مثبت بسیار نیرومندی دارد.

یکی از اهداف تحقیق حاضر شناسایی متغیرهای مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی در ازدواج‌های دانشجویی است. نتایج تحقیق نشان داد که متغیر کنار آمدن با یکدیگر، رابطه پر بار و با محتوا، داشتن علائق مشترک و اهمیت دادن به همسر مهمترین متغیرهای مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی هستند، زیرا درصد بسیار بالایی از واریانس رضایت از زندگی زناشویی را تبیین می‌کنند. در ارتباط با این نتیجه می‌توان به دو نکته اشاره کرد: نکته اول این است که دانشجویانی که قصد ازدواج دارند باید در ملاک‌های همسرگزینی دقت کافی نمایند و افرادی را به همسری خود برگزینند که آمادگی لازم برای زندگی مشترک را داشته و زندگی زناشویی برای آنها اهمیت داشته باشد. سپس علائق مشترکی با یکدیگر داشته باشند.

شواهد تحقیقاتی بسیاری نشان داده (برای مثال، فوورس و السون، ۱۹۸۶) که هر چه زوجین وجه مشترک‌های بیشتری داشته باشند، رضایت از زندگی آنها بیشتر است. نکته دوم به فرآیند ازدواج برمی‌گردد یعنی عواملی که پس از ازدواج، تضمین کننده پایداری و ثبات ازدواج و رضایت بالای زوجین می‌باشد. تحقیق حاضر نشان داد که کنار آمدن با یکدیگر و رابطه پر بار و با محتوا عواملی هستند که (به منابع مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی معروفند) موجب افزایش رضایت از زندگی زناشویی می‌شوند. بنابراین یادگیری مهارت‌های زندگی و



راهبردهای مقابله‌ای قبل و بعد از ازدواج امری اساسی برای بقای زندگی خانوادگی و زندگی لذت‌بخش می‌باشد.

یافته مهم دیگر تحقیق حاضر این بود که استان محل سکونت مرد متغیری تعیین کننده در رضایت از زندگی زناشویی است. تحقیقات متعددی در دنیا و در فرهنگ‌های مختلف نشان داده است که مرد تعیین کننده سبک زندگی و محل زندگی است یعنی کجا زندگی کنند؟ و چگونه زندگی کنند؟ (غضنفری، ۱۳۸۰). بنابراین، دانشجویان پسری که با دختران هم‌استانی خود ازدواج کنند به علت تشابه فرهنگی و متغیر مکان زندگی، رضایت از زندگی آنها بالاتر خواهد بود تا کسانی که این تشابه فرهنگی - اجتماعی و مکانی در زندگی آنها کمتر باشد.

متغیر تعیین کننده دیگر شغل مرد می‌باشد که نقشی بسیار تعیین کننده در رضایت از زندگی زوج‌های دانشجوی دارد. تحقیق حاضر نشان داده که دانشجویان پسری که شغل مشخص دارند و ازدواج کرده‌اند رضایت از زندگی بالاتری دارند. بنابراین، یکی از متغیرهای مؤثر بر بقا و دوام زندگی‌های دانشجویی داشتن شغل و به دنبال آن داشتن درآمد و تأمین نیازهای اساسی مثل مسکن می‌باشد.

لذا لازم است مسئولان و برنامه‌ریزان کشور توجه نمایند که در تمام برنامه‌های توسعه کشور، اشتغال جوانان از اهداف اصلی آنها باشد تا مقدمات و شرایط این سنت حسنه اسلامی مهیا گردد.

و بالاخره تحقیق حاضر نشان داد که نسبت طلاق در ازدواج‌های دانشجویی بالا نمی‌باشد. در برخی از گزارش‌ها نسبت طلاق حتی تا ۵۰ درصد نیز ذکر شده است. تحقیق حاضر عمدتاً در مورد زوج‌های دانشجوی در استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد انجام شده که نسبت طلاق در آن ۲/۳ درصد و نسبت زوج‌های ناراضی نیز ۲ درصد گزارش شده است.

در مجموع یافته‌های تحقیق نشان داد که ازدواج‌های دانشجویی سن ازدواج را در کشور کاهش داده است. علاوه بر این نسبت طلاق در ازدواج‌های دانشجویی بالاتر از نسبت طلاق در جامعه نمی‌باشد و ۹۸ درصد زوجها رضایت از زندگی زناشویی را در حد بیشتر از متوسط داشته‌اند.

مهم‌ترین متغیرهای زناشویی موثر بر رضایت زوجها به ترتیب عبارت بودند از: کنار آمدن با یکدیگر، رابطه پربار و با محتوا، داشتن علائق مشترک و اهمیت دادن به همسر. گرچه سایر متغیرهای زناشویی نیز تاثیر معناداری در رضایت از زندگی زناشویی داشته‌اند.

از مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و آموزشی موثر بر رضایت از زندگی زوجها، محل سکونت مرد و شغل مرد می‌باشد. گرچه سواد مادر زنان شرکت‌کننده در تحقیق و اطلاع زن از پس‌انداز همسر و اطلاع زن از کمک همسر به خانواده‌اش نیز در رضایت از زندگی زنان تاثیر معناداری داشته است.

در نهایت می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که متغیرهای موثر بر رضایت از زندگی در ازدواج‌های دانشجویی را می‌توان در دو دسته جای داد: دسته اول مربوط به فرآیند انتخاب همسر و دسته دوم مربوط به فرآیندهای مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی می‌باشند. فرآیندهای انتخاب همسر شامل ملاک‌های همسرگزینی و عوامل موثر بر انتخاب و توانایی انتخاب و آمادگی برای ازدواج می‌باشد. فرآیندهای مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی شامل توانایی کنار آمدن با یکدیگر، توانایی برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف کلامی، اجتماعی، فکری و عاطفی یا هیجانی، توانایی توافق بر سر هدف‌ها، روش‌ها و مشکلات زندگی مشترک و احساس مسئولیت در قبال زندگی زناشویی می‌باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

دانشجویان در انتخاب همسر خود دقت بیشتری نمایند و با شناخت کامل دست به انتخاب بزنند و بر اساس ملاک‌های متناسب با زندگی مشترک طرفین تصمیم‌گیری نمایند. به دانشجویان توصیه می‌شود با کسانی ازدواج نمایند که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی شباهت بیشتری با آنها دارند. به دانشجویان پسر توصیه می‌شود قبل از درگیر شدن در روابط صمیمانه، به فکر شغل و کسب درآمد باشند، سپس دست به انتخاب بزنند. به دفاتر فرهنگ اسلامی دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دفاتر نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها و سایر مراکز عهده‌دار مسائل جوانان توصیه می‌شود برای بالا بردن آگاهی زوجین و یادگیری مهارت‌های زندگی کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی برگزار نمایند و مهارت‌های اساسی زندگی زناشویی را به زوج‌ها آموزش دهند.

#### منابع

- ۱- ادیب راد، نسترن؛ مهدوی، اسماعیل؛ ادیب راد، مجتبی و دهشیری، غلامرضا؛ (۱۳۸۴)، مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به زندگی مشترک شهر تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۲۰، صص ۱۳۸-۱۳۱.
- ۲- احمدی، خدابخش؛ فتحی‌آشتیانی، علی و عرب نیا، علیرضا؛ (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین تقییدات مذهبی و سازگاری زناشویی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال دوم، شماره ۵.
- ۳- اسدی، عباس؛ (۱۳۸۳)، چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۶۳.
- ۴- ثنایی، باقر؛ (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، موسسه انتشارات بعثت.
- ۵- حیدری نسب، لیلا؛ (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه شاهد، چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۶۳.

۶- جعفر یزدی، حمیده و گلزاری، محمود؛ (۱۳۸۴)، هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش، **فصلنامه خانواده پژوهی**، سال اول، صص ۳۹۲-۳۷۹.

۷- دانش، آذر و نجاتیان، مریم؛ (۱۳۸۳)، بررسی رابطه رضایت از زناشویی با رضایت از روابط جنسی زوجین، **چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران**، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۱.

۸- رستمی، محمود؛ شکر کن، حسین و عطاری، یوسفعلی؛ (۱۳۸۳)، مقایسه شباهت ارزش-ها و نگرش‌ها در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر اهواز، **چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران**، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۰.

۹- عبدالله‌زاده، حسن و گروسی، میرتقی؛ (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر صفات شخصیتی (و دیگر عوامل خانوادگی) بر رضامندی از زناشویی زوج‌های شهر دامغان در سال ۱۳۸۲، **چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران**، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۹۴.

۱۰- غضنفری، احمد؛ (۱۳۸۰) **روان‌شناسی عمومی**، اصفهان، انتشارات فرهنگی شهید مدرس.

۱۱- فتحی‌آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش؛ (۱۳۷۸)، **بررسی عوامل موثر در ازدواج‌های موفق و ناموفق دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)**.

۱۲- کیوانلو، عباس؛ (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر رضایتمندی از زناشویی، **چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران**، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۸۴.

۱۳- هالفورد، د.ک؛ (۱۳۸۴)، **زوج درمانی کوتاه مدت**، ترجمه: مصطفی تبریزی، مؤسسه کاردانی و فروغ جعفری، تهران، انتشارات فراروان.

1- Bradbury, Thomas.N.; Fincham, F.D.; Beach, Steven. R.h. (2000) Research on the nature and determinants of marital satisfaction. **Journal of Marriage & Family**. vol.62 issues 4:964-980.

2- Carr, A. (2004) **Family Therapy. concepts, process and practice**. Chi chester: Wiley.

3- Fowers, B.J. & Olson, D.H. (1986) Enrich Marital Inventory. A Discriminant Validity and cross validation assessment. **Journal of Marital and Family Therapy**, 15, 65-79.

- 4- -Fowers,B.J.; Monted,K.H.& Olson,D.H.(1996) Prediction of marriage success, **Journal of marital and Family Therapy**. vol.22, no.1 103-111.
- 5- Greef, A.P.(2000) Characteristics of Families that function well. **Journal of family issues**. Vol.21,issues & p:948-963.
- 6- Holman,T.B.; Larson,J.H. &Harmer,S.L.(1994)The development and predictive validity of a new premarital assessment instrument the preparationfor marriage questionnaire. **Journal of Family Relations**.43,46-2.
- 7- -Jain,M.(1996)**A search for intimacy.india Today**.pp.98-105.
- 8- -Lapuz,L.V.(1996) **Philipino marriages in crisis**, Quezon city: Newday publisher.
- 9- Larson,J.H.&Holman, T.B.(1994) Predictors of marital quality and stability. **Family Relations**,43,228-237.
- 10- Laswell,M.E.&Laswell,T.E.(1982) **Marriage and Family**. Washington D.C :Health&Row Publishers.
- 11- Nakonezny,P.Shull,R.& Rodgers(1995) The Effect of no fault divorce law. On the divorce rate across the50 states and its relation to income,education,religiosity. **Journal of marrital and family**, 57,488.
- 12- Nilon,Richard(2000) **Communication style and problem solving.Retrieved** (2002) from the wold wide web: <http://www.psycho page.com>
- 13- Rosen-Grandon,J.R.؛ Myers, J.E. &Hattie, J.A. (2004) The Relationship between marital characteristics,marital interaction and marital satisfaction. **Journal of Counseling & Development**, 82(1), 58-68.
- 14- Silliman,B.(1998)**Patterns of adjustment, first three years. marriage enrichment &domestic violence information**, Retrieved March 2001 from the world wide web: <http://www.uwyo.edu/ag/ces/family/ben>.
- 15- Sinha,P.&Mukerjec,N.(1990)Marital adjustment and space orientation, **Journal of social psychology**.130(5),633-639.
- 16- Taniguchi,S.T.; Freeman, P.A. Taylor,S. & Malcarne,B.(2006) A Study of married couples prediction of marital satisfaction in outdoor recreation. **Journal of Experimental Education**,28(3) 253-256.
- 17- -Young,M.E.&Long,L.L.(1998)**Counseling and therapy for couples**,Brook/Cole publishing company.

18- -Wood, J. T. (1996) **Interpersonal communication:** Evryday Encounters, Wadworth publishing company, 2edition.